

«مفاهیم اساسی جامعه شناسی»

نوشته: ماکس وبر

ترجمه: احمد صدارتی - ناشر، شرکت نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸-۱۵۹ ص

غلامعباس توسلی

این کتاب ترجمه است از قسمتی از بخش اول کتاب عظیم ماکس وبر به نام اقتصاد و جامعه یا «ویرتشافت اندگرلشافت Wirtshaft and Gesellschaft» که عنوان بخش اول آن مقولات جامعه شناختی و زیر عنوان آن مفاهیم اساسی جامعه شناسی است. به عبارت دیگر مفاهیم اساسی جامعه شناسی اثر ماکس وبر بخشی از مجموعه بزرگ چند جلدی اقتصاد و جامعه است که به سبب اهمیت ویژه اش به طور مستقل توسط سیچر Secher به زبان انگلیسی برگردانده شده و آقای صدارتی آن را از روی همان ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده اند. کتاب در واقع مقدمه ای است بر مجموعه آثار وبر و به روایتی کلید افکار و آراء او به شمار می رود این کتاب که مستقلاً ترجمه شده مشتمل بر یک مقدمه بیست صفحه ای از مترجم انگلیسی و هفده بخش و یک واژه نامه است و توسط نشر مرکز به چاپ رسیده است. چند سالی است که آثار ماکس وبر جامعه شناس شهیر آلمانی در کشور ما اهمیت و جذابیتی یافته است تا بدانجا که از محدوده کلاسهای دانشگاهی و محافل آکادمیک فراتر

رفته و نظر خواننده‌های عادی و مترجمین و مؤلفان غیر دانشگاهی را نیز به خود جلب کرده است و اکنون شاهد آنیم که مترجمین غیر متخصص (آماتور) به خود جرات داده به ترجمه غیر مستقیم بخشهایی از آثار او که اصل آن به زبان آلمانی نوشته شده است و علی‌رغم صراحت بسیار، موشکافانه و پیچیده است می‌پردازند: آنچه تاکنون از جامعه شناسی ماکس وبر به زبان فارسی در اختیار داریم سه اثر معروف او یکی زیر «عنوان شهر (درگذر زمان)» و دیگری، «دانشمند و سیاست» و بالاخره «مفاهیم اساسی جامعه شناسی» است و کتاب اخیرالذکر در اینجا مورد بحث ما است.

نخست بی‌مورد نخواهد بود که نگاهی گذرا به احوال و آثار این دانشمند عالی‌مقام داشته باشیم تا اهمیت و جایگاه این کتاب کوچک او مشخص شود.

ماکس وبر ۲۱ آوریل ۱۸۶۴ در ارفورت Erfort واقع در آلمان (شرقی) پایه عرصه حیات گذاشت و در ژوئن ۱۹۲۰ در سن ۵۶ سالگی از دنیا رفت و با وسعت فکر و فسحت نظری که در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ، حقوق و تاریخ ادیان داشت آثار ارزشمند و پرباری را بصورت تمام شده و ناتمام از خود برجای گذاشت که از آنجمله است کتاب «اقتصاد و جامعه» که چندی پس از مرگش توسط همسر او انتشار یافت. ماکس وبر را همگان صاحب یک‌اندیشه دایرة‌المعارفی و عمیق می‌دانند.

وبر پسر بزرگ یک خانواده سرشناس و با فرهنگ آلمانی است که پس از تحصیلات حقوق در دانشگاه هایدلبرگ به رشته اقتصادگرایش پیدا کرد و در عین حال به فلسفه نیز می‌پرداخت. پس از سال ۱۸۸۳ که خدمت نظام خود را به پایان رسانید، دیگر به هایدلبرگ بازنگشت و برای ادامه تحصیل به دانشگاه برلن رفت و امتحانات رشته حقوق را گذراند و علی‌رغم علاقه‌اش، شغلی را در دادگاه کیفری این شهر پذیرفت. لیکن از آنجا که این شغل برایش خسته‌کننده و ملال‌آور بود ترجیح داد که یکبار دیگر تحصیلات خود را دنبال کند و رساله دکترای خود را زیر نظر پروفسور سمسن Momsan زیر عنوان «تاریخ سازمانهای تجاری قرون وسطی» بارتبه عالی گذراند و در طی آن توان خود را در به کارگیری مفاهیم اقتصادی، تاریخی، حقوق و - اجتماعی به خوبی بروز دهد و تحسین و تمجید اساتید و صاحب نظران را به سوی خود جلب کرد.

در ارتباط با حرفه دانشگاهی، چنانکه پروفسور - پ، ماهر در کتاب «ماکس وبر و سیاست آلمان» یادآور شده است:

«کشمکش عمیقی وجود وبر را عرصه ناخست و تاز خود قرار داده بود. او نمی‌دانست به سوی فعالیتهای عملی روی آورد یا در زمینه‌های علمی و تدریس دانشگاهی به کار پردازد و هدف والایی را تعقیب کند. به عبارت دیگر این کشمکش برای تمامی وجود ماکس وبر اهمیت بنیادی داشت.»

برای وبر کار نظری تنها در جریان کاربرد عملی آن معنی داشت و بهمین دلیل بود که به جای اندیشه و تفکر متافیزیکی به روش شناسی علمی علاقمند شد و از سویی در فعالیت‌های سیاسی نیز مشارکت داشت و از همان دوران جوانی به انجمن سیاسی اجتماعی پیوست. هدف این انجمن بهبود شرایط کار و تنظیم فعالیت‌های بانکی و تجاری بود و می‌خواست در حل مشکلات اجتماعی آزادی عمل بیشتری به دولت داده شود. این انجمن که مشابه «فابین های» انگلیسی به‌شمار می‌رود به سوسیالیست‌های دانشگاهی معروف شده است.

پس از استادی دانشگاه برلین به استادی دانشگاه فرایبورگ و سپس در دانشگاه هایدلبرگ به سمت استاد اقتصاد برگزیده شد. در آن دوران یکی از پر بارترین دوران زندگی خود را گذراند. او در ۱۸۹۴ که استادی دانشگاه فرایبورگ را پذیرفت سخنرانی آغاز کار خود را زیر عنوان «دوات ملی و سیاست آلمان» ایراد کرد که بخش اعظم تفکر سیاسی او را منعکس می‌کند و سوال اساسیش این بود که بورژوازی آلمانی از لحاظ سیاسی به آن چنان بلوغی رسیده است که بتواند رهبری سیاسی آلمان را در دست بگیرد، و اما پاسخ او به چنین سئوالی منفی بود، زیرا معتقد بود که برای این رهبری باید نخست ملت آلمان را متمرکز ساخت و باید به آن آموزش سیاسی داد و این آموزش باید هدف علم سیاست تلقی شود. از زندگی پرماجرا و عبرت انگیز او می‌گذریم و نگاهی گذرا به آراء و آثار او می‌افکنیم:

بی‌هیچ تردید آثار ماکس وبر از گسترده‌ترین و عمده‌ترین ره‌آورد‌های اندیشه‌جاسعه-شناسی معاصر محسوب می‌شود. به عنوان یک اندیشمند آلمانی او متعلق به سنت کانت و فلاسفه دیگر آلمان است، لیکن به همان میزان درگیر مسائل سیاسی و اقتصادی شده است. مسائلی که در دوران او کارل مارکس مطرح کرده بود. بینش فلسفی او پیوند نزدیکی با گروه هایدلبرگ یعنی نئوکانتی‌ها خاصه ریکرت Rickert داشته است. وبر تمایزی را که این گروه بین علوم طبیعی و علوم تاریخی و اجتماعی قائل بودند پذیرفته بود و با همین دیدگاه بود که شخص و کنکاش خود در ارتباط با منشاء و ماهیت نظام سرمایه‌داری را دنبال کرد و مفهوم «علم - اجتماعی آزاد از ارزشی» خود را مطرح ساخت. بحث‌های او در مورد مشروعیت قدرت و طبقه - بندی حکومتها بر اساس آن و نیز مسئله بوروکراسی و رهبری «کاریزمایی» نشان‌دهنده توانایی تنوع و قدرت تحلیل وسیع اوست و پیداست که در دوران کوتاه پنجاه و شش ساله سن خود نه تنها آثار عظیم نظری تمام شد بلکه توده عظیمی از مطالعات دقیق فنی در زمینه‌های مختلف رشته‌های گوناگون که بعضاً ناتمام مانده بود از خود باقی گذاشت. جالب است که ماکس وبر از یکسو به جاسعه‌شناسی سیاسی، اقتصادی و دینی می‌پردازد و از سوی دیگر به جاسعه‌شناسی هنر و موسیقی و همه این مطالعات در قالب اندیشه عقلگرایانه و تطورگرایی مغرب زمین انجام می‌دهد. اما کار وبر در قلمرو «متدلوژی» علوم اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و بخشی از این

متدلوژی تعریف مقولات و مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی است که هدفش تعیین حدود و ثغور - جهانی در روشهای علمی این رشته است. با توجه به عرصه محدود در اینجا فرصت وارد شدن به اقیانوس عظیم نظریه پردازیهای وبر نیست. بنابراین تنها به اثر بسیار کوچکش که به اعتقاد عده‌ای کلید آراء و آثار اوست و در واقع قطره‌ای از دریای دانش او را بمسای نمایاند می‌پردازیم و این همان اثری است که در این‌جا ترجمه آن به اختصار معرفی و تقدیم می‌شود.

کتاب «مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی» وبر که به فارسی ترجمه شده است علاوه بر مقدمه مترجم انگلیسی آن «سیچر» و نیز واژه‌نامه پایانی آن هفده مفهوم کلیدی جامعه‌شناسی را تعریف و تبیین کرده است. این مفاهیم عبارتند از:

- ۱- جامعه‌شناسی «معنی» رفتار اجتماعی ۲- صور ویژه رفتار اجتماعی، ۳- رابطه اجتماعی، ۴- انواع رفتار اجتماعی، عرف و رسم، ۵- اقتدار مشروع، ۶- انواع اقتدار مشروع، قرارداد و حقوق، ۷- اعتبار اقتدار مشروع، سنت عقیده، ۸- مفهوم مبارزه، ۹- فرآیند «جماعتی شدن» و جامعه‌ای شدن روابط. ۱۰- روابط اجتماعی «بازو بسته» ۱۱- تبیین رفتار اجتماعی، نمایندگی، ۱۲- گروه صنفی و انواع آن، ۱۳- انواع اقتدار در گروه صنفی ۱۴- ماهیت اقتدار اداری و تنظیمی در گروه‌های صنفی، ۱۵- ماهیت سازمان، سازمان صنفی، تجمع اختیاری و اجباری، ۱۶- مفهوم قدرت و سلطه ۱۷- انواع گروه‌های صنفی، سیاسی و مذهبی.

این مفاهیم بخشی از مجموعه وسیع چندجلدی، اقتصاد و جامعه است که به‌طور مستقل از روی ترجمه انگلیسی آن به فارسی برگردانده شده است.

نخست باید از مترجم محترم که چنین زحمتی را بر خود هموار کرده و با صرف وقت و قبول دشواریهای یک اثر عمیق و موشکافانه به ترجمه آن همت گماشته‌اند و مسئولیت این کار پرشقت را برعهده گرفته‌اند سپاسگزار و امیدوار باشیم که این کار شایسته سرمشق و گشایش راه باشد برای مترجمان دیگری که آثار وبر و مانند او را به‌طور مستقیم به دانش پژوهان و دانشجویان ایرانی معرفی کنند و امیدوار باشیم که سایر بخشهای این اثر بزرگ و آثار کلاسیک همچون «اخلاق پرتستان و روح سرمایه‌داری» و «نظریه سازمان اقتصادی و اجتماعی» نیز به فارسی ترجمه و در دسترس خوانندگان ایرانی قرارگیرد.

اما مشکلی که در این ترجمه و امثال آن اجتناب ناپذیر است اینکه همین ترجمه اندک که زیر عنوان «مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی» به فارسی در آمده است خود ترجمه‌ای از ترجمه انگلیسی کتاب اصلی است، ترجمه‌ای کم و بیش ناشناخته که ظرافتها و پیچیدگیها و ابهامات خاص زبان وبر را منعکس نمی‌سازد. پس بادشواری می‌توان به صحت و اعتبار ترجمه فارسی که برگردان اثری کلاسیک و جاویدان است مهر تأیید زد و مطمئن بود که زبان ویژه و تخصصی جامعه‌شناسی وبر بدون تسلط بر مجموعه آراء و نظریه‌های او و بدون مراجعه به اثر او به زبان اصلی می‌تواند ارائه شود.

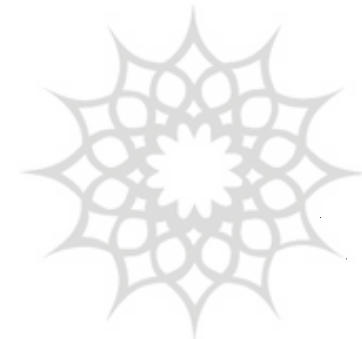
نخستین مشکل، پیچیدگیهای موجود در آثار خود ویراست و جرم دشواریهایی که ناشی از ترجمه انگلیسی آن است. متأسفانه مترجم انگلیسی در برخورد با پیچیدگیهای مفاهیم مورد نظر ویر که کلید تمامی آثار اوست به نوعی ساده‌انگاری و تقلیل‌گرایی تمایل نشان داده و به خود اجازه داده است که با توجه به درجه فهم انگلیسی زبانها و برداشتی که به‌طور عادی از کلمات و مفاهیم دارند معادل را انتخاب کند به طوری که دلمشغولی مترجم برای تفهیم بیشتر مطالب به خوانندگان انگلیسی‌زبان، نظر او را نسبت به حفظ اصالت و ویژگیهای مفاهیم ویری تاجد عدم تعهد و بی‌قیدی بیش برده است و گویا هدفش این بوده است که با توجه به فرهنگ امروز جامعه خود را از آن مفاهیم تنها «برداشتی» داشته باشد. این ادعا را نه فقط مقایسه ترجمه انگلیسی با متن آلمانی آن آشکار می‌کند، بلکه مترجم انگلیسی در مقدمه کم‌یر این ترجمه نوشته شخصاً به آن اعتراف کرده است. به عنوان نمونه مترجم انگلیسی اصطلاح ویژه هندن Handlen ویر را به سادگی به Behavior برگردانده (که متأسفانه در ترجمه فارسی نیز بالمال رفتار ترجمه شده است. به این دلیل که به زعم او خواننده انگلیسی با این مفهوم آشنائی بیشتری دارد! اعتراف مترجم انگلیسی اثر چنین است:

«ساده‌سازی» ساختهای نحوی ویر کار بیهوده‌ایست زیرا در جریان آن بخش اعظم معنای اولیه از دست می‌رود. اما این امکان هست و حتی ضروری به نظر می‌رسد که برخی از اصطلاحات وی را با توجه به کاربرد اسروزی و آشناتر آن ترجمه کنیم. در نتیجه پاره‌ای از اصطلاحات که در زبان ویر چندان متداول نبوده و از آن زمان تاکنون به بخشی از «زبان مشترک» علوم اجتماعی تبدیل شده‌اند برای تعیین و تشخیص معنای زبان اولیه وی به کار گرفته شده‌اند. «مترجم انگلیسی زبان اضافه می‌کند که: «برای مثال در سراسر ترجمه حاضر اصطلاح رفتار ویا کردار به عنوان معادل (و نه ترجمه) واژه‌ی آلمان به کار رفته است زیرا در عصر علوم رفتارگرا مضحک و نا - معقول به نظر می‌رسد که ویر را با اصطلاح دیگری به فرد نوآموز معرفی کنیم.» ! بله این عقیده مترجم انگلیسی کتاب مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی است! واقعاً استدلال عجیب و مضحکی به نظر می‌رسد و نظرات ویر را به نوعی رفتارگرایی تقلیل می‌دهد، تمام همت ویر و اصالت کارش در این بوده است که در علوم اجتماعی عمل قصدسند و معنی دار انسان را از رفتارهای حیوانی و بازتابی که در مکتب رفتارگرایی منظور نظر است مجزا و مستقل کند و بهمین منظور هم در ابتدای اثرش این اصطلاحات خود را تعریف کرده است. ولی مترجم انگلیسی بر رغم سهولت فهم نوآموز انگلیسی زبان درست در دامی گرفتار می‌شود که ویر سعی در اجتناب از آن داشته است.

متأسفانه این ترجمه‌های نادرست به برگردان فارسی نیز منتقل شده است و در بسیاری از اصطلاحات دیگر او نیز به نحوی منعکس است چنانکه بر ترجمه‌های «جماعتی شدن»

بجای «اجتماعی شدن»، اقتدار شروع بجای نظام قانونی و مفهوم گروه صنفی به جای گروه اجتماعی و انواع اقتدار گروه صنفی بجای مقررات گروه می توان همان اشکال را وارد دانست.

مع هذا علی رغم مشکلات مذکور و ضمن قدردانی از زحمات مترجم محترم لازم است یادآور شویم که اگر بخواهیم آثار وبر را که اکثر آنها از جمله آثار کلاسیک جامعه شناسی محسوب می شود با حفظ اصالت آن به فارسی برگردانیم لازم است اولاً با منظومه اندیشه و فکرا و به طور کلی آشنایی داشته باشیم دوم در حد مقدور این آثار را به طور مستقیم از زبان آلمانی که زبان اصلی آن است به فارسی ترجمه کنیم یا دست کم به ترجمه های دیگر آن اثر به زبانهای دیگر نیز مراجعه کنیم (مثلاً فرانسه یا عربی) و چند ترجمه را با هم مقایسه کنیم و بالاخره لازم است از هر نوع تقلیل گرایی و ساده انگاری در برداشت و برگردان اصطلاحات بپرهیز کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شروعی خوب، پایانی بد

«جامعه روستایی و نیازهای آن»

نوشته: فرامرز رفیع پور، ناشر، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۴-۳۶۰ ص

عباس عبدی

مقدمه

گرچه قریب به شش سال از انتشار کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» می‌گذرد، ولی تاکنون تا آنجا که نگارنده مطلع است نقدی جدی از آن نشده است چون این کتاب در رشته جامعه‌شناسی کتاب‌سال شناخته شده است، طبعاً می‌باید مورد توجه دانشجویان و پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته باشد و لذا ضروری است که نقاط قوت و ضعفش آن‌گونه که شایسته است، مورد ارزیابی قرارگیرد.

هر تحقیق دارای دو جنبه موضوعی و فنی است. بی‌نقص بودن تحقیق در هر دو جنبه جزو شروط لازم برای علمی بودن یک تحقیق است. در صورتی که جنبه موضوعی دارای نقص باشد، محقق عملاً نمی‌تواند مجموعه مسائلی را که نیاز دارد معین کند و به اندازه‌گیری آنها پردازد، و در پایان فاقد نوعی جمع‌بندی تئوریک خواهد شد. همچنین اگر جنبه فنی تحقیق ناقص باشد، تصورات محقق در عرصه موضوع، تحقیق ناپذیر خواهد ماند به قول کرلینجر و پدهازور:

«بارها گفته ايم که جنبه های موضوعي تحقيق از جنبه های فني آن مهمتر است. در اينجا هم بار ديگر براي نكته به ظاهر آشکار تاکيد مي ورزيم. مع الوصف، بلافاصله اضافه مي کنيم که اگر وسايل فني لازم برای مشاهده و اندازه گيري و تحليل در دست نباشد، جنبه های موضوعي از حد باور و اسطوره فراتر نخواهد رفت.» (کرلينجر- پدهازور، جلد دوم، ص ۱۰۰)

۱- چار چوب تئوريك

کتاب با توضيح هدف تحقيق شروع مي شود و به نظر مي رسد که از ميان پنج هدف ذکر شده، سه هدف اصلي هستند، يافتن نيازهای ذهني و عيني روستائيان استان يزد- ترتيب نظام ترجيحات اين نيازها و بالاخره علل و عواملی که موجب پيدایش نيازهای گوناگون مي شوند. نويسنده سپس نيازسنجی را مورد بحث قرار مي دهد، و دو سوال را در اين مورد مطرح مي کند، ۱- چگونه مي توان نيازهای جامعه ای را شناخت؟ ۲- آیا مي توان اين نيازها را مبنای برنامه ريزی قرار داد؟

در جواب به اين دو سوال معتقد است که: «علی الاصول بهترين و ایده آل ترين روش تشخيص نياز مردم (خصوصاً در روستا) در درجه اول همان شناختن نيازهای ذهني افراد است» (رفيع پور، ص ۱۰)

در خصوص دومين سوال چنين جواب داده مي شود که: «شناخت شرايط پيدایش نيازهای موجود نیز برای برنامه ريزی از اهميت زيادی برخوردار است.» (ص ۱۰۵)

نويسنده محترم در ادامه بحث به زمينه تئوريکی موضوع مي پردازد و در ابتدا به تعريف نياز پرداخته و «احساس کمبود» را به عنوان هسته اصلي واژه مي پذيرد. (ص ۱۰۶)

پيدایش نيازها و مقايسه آن در جوامع مختلف بخش ديگری از کتاب است که خواننده را به سرور با موضوع تحقيق آشنا تر مي کند. با دلایل روشن توضيح داده مي شود که سرمنشاء همه نيازهای انسان جامعه است. حتی نيازهای جسمی نیز شکل اجتماعي به خود مي گيرند (ص ۲۱) ولی از هنگامی که جوامع صنعتی به وجود آمد، روند افزایش نيازها و شيوه های ارضای آنها امری شناخته شده است. به طوری که پایداری نظامهای صنعتی منوط به افزایش نيازهاست. نظام سرمايه داری غرب بدون پرورش و توليد مصنوعي نياز برای کالاهای موجود و یا کالاهای قابل توليد، قادر به ادامه حیات نیست. (ص ۳۴) به خصوص که بعضی از نيازها قابل اشباعند و بايد نيازهای جديد به وجود آيد. مهمترين شيوه اين نياز آفرینی تبليغات است. به هر حال مهمترين ویژگی اين نياز آفرینی، تقدم نسبی توليد بر نياز است، در حالی که اين روند در کشور- های جهان سوم به صورت معکوس در آمده است، به عبارت ديگر در غرب سبقت توليد از نياز مشکل ایجاد کرده است، در حالی که در جهان سوم سبقت نياز از توليد مساله آفرين شده است.

(ص ۳۵) علت این پدیده از نظر نویسنده افزایش جمعیت و اشاعه ارزشهای غربی در جهان سوم است.

گرچه بیان این تفاوت میان کشورهای صنعتی و جهان سوم مهم و صحیح است ولی نویسنده محترم موضوع را طوری بیان کرده است که انگار مجموعه این مسایل مطلقاً طرح هدایت و کاملاً برنامه ریزی شده از طرف جهان غرب است، که برای عقب نگه داشتن جهان سوم به اجرا در آمده است. البته هیچ خبره‌ای تأثیر این متغیر برنامه ریزی شده را منکر نیست. ولی بحث بر سر حد و حدود تأثیر آن است. مطالب نویسنده (صفحات ۲ و ۳ و ۴) بیش از آن که از بار و محتوای علمی برخوردار باشد، به حد یک بیانیه و سخنرانی سیاسی تنزل یافته است.

در ادامه و در بحث پویایی نیازها به تزه‌های ماسلو پرداخته می‌شود. وی نیازهای غریزی و شبه غریزی را به پنج گروه تقسیم می‌کند، که از نیازهای جسمی شروع و به نیاز خویشتر یابی ختم می‌شود. (ص ۴۴)

به عقیده ماسلو «بنابراین ارضاء یک نیاز خود موجب و سبب پیدایش نیازهای دیگر می‌گردد! و بدین ترتیب خواسته‌ها و علی‌الاصول رفتار انسانی از سوی نیازهای ارضاء نشده هدایت می‌شوند» (ص ۴۵) نویسنده نیازها و ارجحیت آنها را تا حدود زیادی تابع ارزشها و هنجارهایی می‌داند که محیط و هر جامعه خاص به انسانها می‌دهند (ص ۴۸) و سپس به این سوال مهم پرداخته می‌شود که چرا «انسانها در پی تطبیق نیازهای خود با استاندارد موجود و یا وارد شده در جامعه هستند؟» (ص ۵۱) و در جواب به این سوال گفته می‌شود که: «این نیاز فطری به احترام و تایید و منزلت است که انسانها را به پیروی از هنجارها و معتاد شدن به نیازهای استاندارد شده از سوی جماعت وای می‌دارد» (ص ۵۲) البته در این جواب نوعی مصدوره به مطلوب مشاهده می‌شود. از آنجا که هنجارهای جامعه در حال دگرگونی است و هنجارهای جدید وارد جامعه می‌شود، لذا تعادل نیازها در جامعه بهم ریختگی پیدا می‌کند. و احساس نیازمندی در افراد به وجود می‌آید (ص ۵۲) بنابراین هنگامی که نیازهای نو و طرق جدید ارضای آنها به وسیله عده‌ای از اعضای جامعه شناخته و به کار گرفته شده در آن صورت هنجارها نیروی موثر خود را در نیاز آفرینی نشان داده و وارد جریان می‌شوند و جریان انتشار Diffusion آغاز می‌شود (ص ۵۳) در پایان بحث تئوریک سه تز کم و بیش رقیب استنتاج می‌شود.

۱- قانون گوسن مبنی بر کاهش فایده نهایی (قابل اشباع بودن نیازها)

۲- تزه‌های انبساط نیازها

۳- وجود سلسله مراتب در ساخت نیازها (ص ۶۳)

از آنجا که نیازهای اجتماعی ارتباط مستقیمی با تحولات اقتصادی جامعه ایران دارد، در بخش بعدی کتاب توضیح مختصری هم در خصوص وضعیت ایران ارائه شده است.

آنچه در عنوان مقاله آمده است «شروع خوب، پایانی بد» ناظر به نقد کتاب تا این قسمت و از این پس است. به عبارت دیگر اگر تا اینجا کار را شروع فرض کنیم خوب و خوش ساخت ارائه شده است. ولی از این به بعد که در واقع تحقیق میدانی شروع می‌شود، فاقد کیفیت قابل قبول علمی است. گرچه باز هم در قالب و ساخت خوبی ارائه می‌شود، ولی چون از اساس دچار اشکال است محتوای مطرح شده مخدوش می‌نماید.

۲- روش تحقیق و ارائه داده‌ها

در این قسمت ابتدا مشخصات و شرایط کلی استان یزد تحلیل می‌شود، تا خواننده در جو عمومی جامعه آماری قرارگیرد، سپس تحقیقات مقدماتی و روش‌های مختلف بررسی می‌شود و از میان آنها روش مصاحبه انتخاب می‌شود، که در این قسمت جزئیات فراوانی از روش‌های گوناگون به تحلیل کشیده می‌شود تا ثابت شود که روش انتخابی بهترین است. گرچه به نظر می‌رسد که این امر در ساخت کتاب حاضر ضروری نبوده است (حداقل در حجم موجود) ولی برای خواننده می‌تواند مفید باشد.

مرحله بعد نمونه‌گیری از میان روستاهاست. گرچه به عقیده راقم این‌سطور، در بسیاری از تحقیقات علی احتیاج نیست که نمونه کاملاً تصادفی انتخاب شود، چرا که ممکن است فقط رابطه بین عوامل، و نه تعمیم یافته‌های جداول فراوانی به جامعه آماری مورد نظر باشد. ولی از آنجا که محقق محترم ادعا کرده‌اند که انتخاب روستاها باید «سشت نمونه خروار» باشد (ص ۱۳۸) لذا ما هم برای تعین صحت و سقم این ادعا میان نمونه و جامعه آماری مقایسه‌ای صورت می‌دهیم.

روستاهای جامعه و انتخابی از نظر تعداد خانوار دارای توزیع زیر هستند.

	۱۱ تا ۵۰ خانوار	۵۰ تا ۲۰۰ خانوار	جمع
استان یزد	۲۶۶ (۷۱٪)	۱۱۰ (۲۹٪)	۳۷۶
نمونه آماری	۱۶ (۵۰٪)	۱۶ (۵۰٪)	۳۲

آزمون χ^2 نشان می‌دهد که نمونه مورد نظر به صورت تصادفی از جامعه آماری انتخاب نشده است و تنها ۱٪ احتمال دارد که چنین نمونه‌ای برحسب تصادف به وجود آید. ($\text{sig} = .01$) $\chi^2 = ۶۷۸$) از طرف دیگر محقق محترم ادعا کرده‌اند که این نمونه به احتمال حدود ۹۰ درصد قابل تعمیم به کل روستاهای بیش از ۱۰ خانواری است و احتمالاً فراموش کرده‌اند بگویند و «کمتر از ۲۰۰ خانواری استان یزد است» (ص ۱۳۷).

در حالی که طبق اصول آماری اگر قرار بود که با چنین احتمالی نتایج تعمیم داده شود می‌بایست حجم نمونه حداقل به ۵۱ روستا بالغ می‌شد.

$$n' = \frac{t^2 P \cdot Q}{d^2} \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 P Q}{d^2} - 1 \right) \right)$$

چون
 $t = 1.97$
 $P = 0.71$
 $Q = 0.29$
 $N = 376$
 $d = 0.1$

اگر مقادیر مربوط را جایگزین کنیم مقدار n برابر ۵۱ روستا می‌شود.

در بخشهای بعدی به انتخاب پرسشگران و نحوه تماس با پاسخگویان و انتخاب آنها پرداخته شده است. به خصوص در نحوه برخورد و تماس اولیه با اعضای نمونه آماری توضیحات کافی ارائه شده است، ولی معلوم نیست چرا در خصوص انتخاب پاسخگویان سکوت نسبی اختیار شده است، و به این سوالات جواب قانع کننده داده نشده است؟ چرا جوانان زیر ۲۰ سال را حذف کرده‌اند؟ به خصوص که نتایج تحلیل نشان می‌دهد که سهمین عامل مؤثر بر افزایش نیازها جوانی سن است، و این حذف هیچ بنیای تئوریک نداشته است. همچنین به هیچ وجه توضیح داده نشده که معیار تعداد نمونه در سطح هر روستا چه بوده است؟ و خواننده متوجه نمی‌شود که چرا باید نزدیک به شش صفحه در خصوص «نحوه تماس» مطلب بخواند ولی حتی یک کلمه از دلایل و حجم نمونه انتخاب شده در سطح هر روستا مطلع نشود.

اشکالات اصلی تحقیق در سطح اندازه‌گیری متغیرها و نحوه استخراج است. در قسمت استخراج نتایج نوشته شده است: «به منظور بررسی روابط بین متغیرها، نسبت به سطح مقیاس هریک از آنها آزمونهای زیر بکار گرفته شد:

- برای مقیاس‌های اسمی: آزمون t و f

- برای مقیاس‌های ترتیبی: آزمون همبستگی اسپیرمن

- برای مقیاس‌های فاصله‌ای و سنی: آزمون همبستگی پیرسون» (ص ۱۳۳)

اولاً محقق محترم باید مشخص می‌کرد که آزمون‌های معنی‌داری میان دو دسته از متغیرهای مختلف را چگونه اندازه‌گیری کرده‌اند، مثلاً یک متغیر اسمی با یک فاصله‌ای، که ظاهراً سسکوت گذاشته شده است. ثانیاً در کجای آمار میان متغیرهای اسمی بایکدیگر آزمون t یا f را به کار می‌برند؟

این آزمونها مربوط به دو متغیر فاصله‌ای است یا حداقل وقتی که یکی از متغیرها فاصله‌ای است. ثالثاً: آزمون t و f مربوط به سطوح معنی‌داری روابط است و حتی آزمون همبستگی

پیرسون هم در نهایت از طریق توزیع f آزمون می‌شود، و لذا محقق محترم باید موضوع ضریب همبستگی را در مقیاسهای اسمی مشخص می‌کردند، همچنان که در دو مقیاس بعدی به طور ناقص توضیح داده‌اند.

این اشکال وقتی بیشتر به چشم می‌خورد که در ادامه بخش استخراج نتایج متوجه می‌شویم که روشهای بی‌تناسبی برای تبیین روابط میان متغیرها به کار رفته است، مثلاً اگر دو متغیر فاصله‌ای هستند (مثل مسافت کشاورز و سن او) باید روابط میان آنها از طریق ضریب همبستگی پیرسون توضیح داده شود و نه از طریق جدول توافقی (ص ۱۷۰ جدول ۴۱). این مشکل برای اکثر جداول ارائه شده وجود دارد.

در مرحله سنجش متغیرها، محقق سعی کرده است متغیرهایی را از ترکیب چند متغیر دیگر به وجود آورد. قبل از نقد این قسمت باید متذکر شد اصولاً وقتی که ابزاری چون کامپیوتر و برنامه‌های آماری پیشرفته برای استفاده از روشهای همبستگی و رگرسیون وجود دارد. باید از این اسور پرهیز کرد، زیرا ترکیب متغیرها ممکن است تأثیرات مختلف آنها بر متغیر وابسته را حذف کند. و از آنجا که اصولاً معیارهای فرد برای ترکیب متغیرها مبنای علمی ندارد و بیشتر حسی است لذا حتی المقدور باید از این کار اجتناب ورزید. در ذیل به مواردی از این مورد در تحقیق حاضر پرداخته می‌شود.

یکی از متغیرهای ساخته شده «وضعیت جاده ارتباطی» است که کیفیت بد جاده‌خاکی (از ۱ تا ۵) را در کمیت فاصله جاده خاکی روستا ضرب کرده و نتیجه را با کیفیت فاصله تقاطع جاده اصلی تا مرکز شهرستان و سپس تا مرکز استان جمع کرده‌اند. گذشته از اشکالی که می‌توان بر ضرب اولیه وارد دانست، جمع دو فاصله اخیر بسیار غیر منطقی است، و هیچ دلیلی ندارد. بجای این کارها بهتر بود چهار متغیر کیفیت جاده خاکی، کمیت فاصله جاده خاکی تا آسفالت، فاصله تقاطع تا مرکز شهرستان و سپس تا مرکز استان جداگانه تعریف می‌شد و با متغیرهای دیگر در ارتباط قرار می‌گرفت.

یکی دیگر از متغیرهای مخدوش شاخص تسهیلات عمرانی است. اولاً میزان دارا بودن یا نبودن تسهیلات عمرانی که برحسب اعداد صفر تا ۴ رتبه‌بندی شده معیار درستی ندارد مثلاً مدرسه، اگر دبستان داشته باشد در حد محدود در نظر گرفته شده است و نمره یک گرفته است و اگر دبیرستان هم داشته باشد، نمره ۲ داده شده است. یا برحسب سال تاسیس مدرسه از صفر تا ۳ امتیاز داده شده است. در حالی که وسعت و بزرگی مدرسه، تعداد کلاسها، معلمان و نسبت آنها با جمعیت روستا مسایل اصلی هستند. نه این دو شاخص مطرح شده. این مشکل برای حمام روستا، برق و موارد دیگر هم وجود دارد.

جالبترین نکته در متغیر «شاخص تسهیلات» جمع کردن ارقام داده شده به عنوان شاخص

تسهیلات است، مثلاً روستایی که غسلخانه دارد و ۲ استیاز گرفته است، دارای همان ارزشی در شاخص تسهیلات است که روستایی که تلویزیون یا آب لوله کشی یا دبیرستان دارد! غسلخانه از یک اتاقک و یک سکو تشکیل شده، و اصولاً خیلی از روستاهای کم جمعیت نیازی به آن ندارند چرا که در روستای ۱۵ خانواری که بطور متوسط ۷۰ نفر جمعیت دارد واحد اکثر سالی یک نفر در آن فوت می کند، وجود غسلخانه چه اهمیتی دارد؟

گیریم که دارای اهمیت هم باشد، آیا ارزش آن برابر دبیرستان و آب لوله کشی و تلویزیون است؟ اگر یک روستایی را صاحب غسلخانه و حسینیه کنیم شاخص توسعه یافتگی آن (ص ۱۵۴) همانقدر افزایش پیدا می کند که یک ژنراتور برق یا تلویزیون به آن بدهیم، یا جاده آنها از جیپرو تبدیل به آسفالت شود؟ اصولاً چرا میزان پیشرفت با نحوه کشت، تعداد تراکتور، سطح و تعداد باسواد و مسایل مشابه دیگر اندازه گیری نشده است؟

یکی دیگر از مشکلات این متغیر (که یکی از متغیرهای بنیادی این تحقیق است) مربوط به اجزاء آن است، مثلاً به عنوان یکی از شاخصهای تسهیلات یا معیار ارزیابی توسعه (ص ۱۵۴) دوری و نزدیکی به یزد در نظر گرفته شده است. میزان توسعه اسری غیر از نزدیکی و دوری به یزد است، گرچه این فاصله می تواند مؤثر بر توسعه باشد، ولی خود شاخص توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی روستا نیست. به دلیل همین اشتباهات بدیهی است که نتایج مخدوش هم گرفته می شود، مثلاً هنگامی که شاخص تسهیلات یا وضعیت جاده ارتباطی با شهرستان در ارتباط قرار داده می شوند (جدول ۳ و ۴) نتیجه می شود که روستاهای شهرستان یزد دارای جاده های ارتباطی بهتر و تسهیلات بیشتری هستند. نتایج این ارتباطها (گرچه از نظر آماری معنی دار هم نیستند) از آنجا غلط است که هر دو متغیر وابسته یعنی جاده های ارتباطی و شاخص تسهیلات بر حسب دوری یا نزدیکی به یزد تعریف شده است پس دیگر در ارتباط قرار دادن آنها با شهرستانها چه معنی دارد، نویسنده از ابتدا فرض کرده که روستاهای دورتر به یزد دارای شاخص تسهیلات کمتر و جاده ارتباطی بدتر هستند، و سپس میان متغیرها ارتباط برقرار کرد و همین نتیجه را مجدداً گرفته است!

بعضی دیگر از شاخص های در نظر گرفته شده برای تسهیلات اصولاً بی ربط به سطح - توسعه هستند. مثلاً وجود یا عدم وجود شورا. این امر بیشتر به اختلافات داخلی میان روستائیان یا تعداد خانوار مربوط می شود، و در شرایط حاضر به عنوان شاخص توسعه یافتگی روستا محسوب نمی شود.

از آنجا که نمونه گیری تحقیق دارای نقص بوده است، لذا مشاهده می کنیم که نتایج جدول ۲۲ با نتایج آماری مربوط به کل استان سندرج در جدول ۸ متفاوت است، در حالی که نمونه نشان می دهد که در ابتدا یزد و سپس تفت دارای روستاهای پر جمعیت هستند. جدول

۸ که مربوط به جامعه آماری است بجای نقت اردکان را دارای روستاهای با جمعیت بیشتر نشان می دهد.

جداول تقاطعی بخش ۲-۳ فاقد آزمون معنی داری است و از نظر علمی نمی توان آنطور که نویسنده انجام داده به نتایج آنها استناد کرد و نتایج را تعمیم داد. ضمن این که از روشهای آماری صحیحی برای بیان روابط استفاده نکرده اند، به طور کلی متغیرهای محیطی که در این بخش اندازه گیری شده مجموعاً مخدوش است و فاقد اعتبار و روایی است.

متغیرهای فردی

در خصوص این متغیرها چند نکته به نظر می رسد، یکی این که افراد زیر ۲۰ سال از نمونه آماری حذف شده اند (ص ۱۳۰) ولی در جدول ۱۶۲ افراد زیر ۲۰ سال هم در نمونه موجود هستند. دیگر این که معلوم نیست متغیر میزان تحصیلات فرزندان پاسخگو چگونه تشکیل شده است. راقم این سطور هرچه فکر کرد نتوانست به نتیجه برسد. در کتابی که بسیاری از مسایل ریز توضیح داده شده است، چرا مساله ای به این مهمی مسکوت می ماند. و چون مسکوت ماند نتایج عجیبی به وجود می آورد، که در جداول ۳۷، ۴۲، ۷۰ مشاهده می شود که حجم نمونه آماری از ۲۴۰ نفر یکباره به ۴۴۰ نفر افزایش پیدا می کند!

من از محقق محترم تقاضا می کنم که یکبار دیگر این متغیر را بررسی کنند و یک صفحه را جمع به آن بنویسند، و جداول ۳۷ و ۴۲ و ۷۰ را هم به خوبی مطالعه کنند، و سپس بگویند که این اعداد از کجای این تحقیق استخراج شده است، مگر نه این که فقط با ۲۴۰ نفر مصاحبه شد، ۱۲ نفر آنها هم یا مجرد بودند یا بیجه نداشتند، چگونه در جدول ۳۷ این تعداد به ۴۳۶ نفر بالغ می شود؟! !!

به طور کلی جداول این بخش هم دارای نقایص زیر هستند: الف: روشهای نامناسب آماری به کار گرفته شده است مثلاً بجای همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس، جدول تقاطعی به کار رفته است. ب: جداول دارای سطوح بسیار کم معنی داری و ضرایب همبستگی کم هستند که از نظر علمی واریانس خیلی کمی از متغیر وابسته را تحلیل و تبیین می کنند. ج: برای معنی دار کردن جداول نوعی دخل و تصرف غیر صحیح در جداول به کار رفته است (جدول ۴۲) در خصوص متغیرهای منابع درآمد، بازهم نکات مهمی مشاهده می شود، مثلاً در یک مورد با توضیحی نا کافی که از قول کشاورزان داده می شود، میزان درآمد زمین اجاره ای وسلکی را برای کشاورز یکسان فرض می کنند و علت آن راهم پایین بودن اجاره بهای زمینهای کشاورزی می دانند، (ص ۱۸۱) حالا اگر فرض کنیم حداقل ۱۰٪ محصول هم به عنوان اجاره به مالک پرداخت می شد، خوب بود کل مقدار زمین اجاره ای در ۸۰٪ ضرب می شد تا شاخص دقیقتری

بدست آید، به خصوص که ۱۷ درصد روستائیان اجاره کار از سوجرین خود ناراضی بودند (جدول ۴۵) و ۶۴ درصد این موجرین از سالکهای بزرگ بوده‌اند (جدول ۴۴) از آنجا که در جای جای کتاب مالکین بزرگ بحق سورد شماتت قرار گرفته‌اند، پس چگونه می‌شود که عایدی چندانی نصیب آنها نشود، و ارزش درآمد زمینهای اجاره‌ای و ملکی را برای کشاورز یکسان بدانیم؟ حتی اگر واقعاً هم یکسان باشد، باید توضیحات کافی ارائه می‌شود، به خصوص وقتی که در خصوص نحوه حفر قنات، اندازه‌گیری مقدار آب و غیره، که تأثیر مهمی بر سنجش متغیرها ندارند، صفحات زیادی توضیح داده می‌شود.

در بخش ۴-۳-۳ ارزشهای اجتماعی- اقتصادی کشاورزان اندازه‌گیری می‌شود. محقق در توضیح ارزشها می‌نویسد: «منظور از ارزشها، هرآن چیزی است که کشاورزان در کردار و رفتار اقتصادی- اجتماعی‌شان برای آن «ارزش» قائلند» (ص ۲۲۲) نوعی صادره به سطلوب. و سپس توضیح می‌دهند: «آنچه که در این بررسی بیشتر مورد توجه ما قرار داشت آنگونه ارزشهایی بود که می‌توانستند بر روی پیدایش و ساخت نیازها تأثیر داشته باشد». (ص ۲۲۲)

محقق محترم پس از توضیح جوابهای خام این ارزشها به یکباره آنها را تا پایان کتاب فراموش می‌کند، و هیچ‌گاه به بررسی تأثیر این ارزشها در پیدایش و ساخت نیازهای مردم پرداخته‌اند. این موضوع می‌تواند دو علت داشته باشد، یا این که فراموش شده‌اند، یا این که دارای روابط معنی‌دار نبوده‌اند و از خیر توضیحش گذشته‌اند.

۳- نیازها

بخش اصلی کتاب که وارد نتیجه‌گیری می‌شود و در واقع مبحث و شریکترین بخش تحقیق است و توضیح علل و عوامل مؤثر بر ساخت و پیدایش نیاز است.

«در مرحله اول کوشش شد افکار و عقاید روستائیان در مورد نیازهایشان باروشی ساده و بعد از مقدمه‌ای کوتاه با طرح سوال زیر بدست آید:

در اینجا شما چه مسائل و مشکلاتی دارید که دلتان می‌خواست دولت برایتان حل کند؟» (ص ۳۳۷)

یکی از اشکالات مهم از همینجا شروع می‌شود که چرا سوال به این صورت مطرح شده است و مگر همه نیازهای روستائیان را باید دولت حل کند و چه بسا نیازهای دیگری داشته باشند که به‌طور طبیعی حل آن در حیطه قدرت دولت نباشد، بلکه روستائیان راساً باید کمربند حل آن ببندند. چه بسا یک نیاز معین از نظر دو نفر در یک روستا یا در دو روستا جمع حل گوناگونی داشته باشد. ولی چون محقق مرجع حل نیاز را تنها به دولت منحصر کرده است، لذا جوابهای ارائه شده منطبق بر کلیه نیازهای ذهنی پرسش شوندگان نخواهد بود.

البته ممکن است به دلایلی محقق مجبور شود که سوال را به این صورت مطرح کند، در این حالت باید دلایل خود را دقیقاً بیان نماید و تأثیرات منفی آن را بر روند تحقیق توضیح دهد.

جدول ۸۵ (ص ۲۵۰ - ۲۵۴) نشان می‌دهد که نیازهای کشاورزان روستاهای مورد مطالعه غالباً منطقی است، و نیازهای کاذب کمتر در آن یافت می‌شود. نیاز به آب فاصله زیادی بیش از بقیه نیازها عنوان شده است، «این نیاز نه فقط از سوی کشاورزان فقیر، بلکه به همان نسبت نیز از سوی کشاورزان نسبتاً متمکن‌تر ابراز شده است. و این شناختی است با ارزش چه، در اینجا نیاز ذهنی افراد با احتیاج عینی آنها فرق دارد.» (ص ۲۶۰) بر خواننده معلوم نشد که محقق محترم نیاز عینی پاسخگویان را چگونه اندازه‌گیری کرد که اکنون حکم می‌کند نیاز ذهنی آنها با نیاز عینی‌اشان فرق دارد؟ از این‌گونه قضاوت‌های عجولانه و شاید پیدشداوریهای ناصحیح باز هم در کتاب مشاهده می‌شود.

از آنجا که تفسیر جداول رگرسیون در این قسمت انجام می‌شود. در ادامه به برداشتهای غلط محقق محترم از این جداول پرداخته می‌شود.

محقق در ابتدا توضیح می‌دهد که متغیرهای «فاصله» و «کیفیت جاده» در متغیر «شاخص دستیابی به روستا» شاخص بندی شده‌اند، تا از این طریق از همبستگی درونی آنها و تأثیر اشتباه بر روی محاسبه رگرسیون چند متغیری بر حذر شود. (ص ۲۶۲) باید گفت که اولاً مگر فقط میان این دو متغیر همبستگی وجود داشت که برای بر حذر بودن از تأثیرات اشتباه یک چنین عملی را انجام داده‌اید؟ اکثر متغیرهای مورد سنجش دارای چنین همبستگی‌هایی هستند مثلاً متغیر جمعیت و شاخص تسهیلات دارای همبستگی r_7 هستند ولی هر دو در معادلات حضور پیدا می‌کنند. ثانیاً چون اکثر متغیرها صحیح انتخاب و اندازه‌گیری نشده‌اند، اثرات اشتباه خود را برجای گذاشته‌اند (مراجعه شود به جدول ۹۹/الف).

در خصوص ستون Beta درست توضیح داده شده است که تأثیر کاملاً خالص را بر روی متغیر وابسته نشان می‌دهد، ولی این مسأله صحیح نیست که ارقام این ستون وقتی بیشتر قابل استفاده‌اند که بین متغیرها همبستگی درونی وجود نداشته باشد (ص ۲۶۳) اگر نتوان از ستون Beta استفاده کرد، به معنای آن است که حق استفاده از رگرسیون را نداریم، و اصلیتین عنصر جدول رگرسیون برای بیان اهمیت تأثیر یک متغیر ضریب Beta و سطح معنی‌داری متناظر آن است.

ظاهراً چون نویسنده محترم معنای ستون f را نمی‌دانسته‌اند. نتوانسته‌اند آنطور که باید و شاید از جداول رگرسیون بهره‌مند شوند. از آنجا که ستون f نشان‌دهنده سطح معنی‌داری حضور تک تک متغیرها در معادله است، لذا تنها متغیرهایی را باید در معادله نگهداشت که دارای

سطح معنی داری قابل قبول (حداقل ۰.۹۵٪) باشند. و در غیر اینصورت باید از معادله اخراج شوند. چرا که نتایج را مخدوش می کند، برای حل همین مشکل بوده است که روشهای مختلف رگرسیون چند متغیری به وجود آمده است^۲ در این صورت دیگر ممکن نبود در کلیه جداول رگرسیون هر ۱۰ تا ۱۴ متغیر حضور داشته باشند، و در اکثر معادلات فقط دو متغیر حضور پیدا می کردند، به عبارت دیگر تنها همان دو متغیر در تبیین متغیر وابسته (نیاز) نقش دارند.

همچنین اهمیت هر متغیر بستگی به ترتیب ورود در معادله ندارد (کرلینجر، ۳۸۷ جلد اول) بلکه برای پیدا کردن ترتیب اهمیت باید به مقدار Beta و سطح معنی داری توجه کرد.

یکی از کارهایی که محقق محترم انجام داده و قابل توضیح نیست تفکیک جدول رگرسیون به دو جدول است که در یکی نیاز مربوط وجود داشته و در دیگری وجود نداشته است. این عمل ضمن این که توجیه منطقی ندارد و گرنه می توان هرگونه تفکیک دیگری را هم انجام داد، سبب پایین آوردن نمونه در جداول رگرسیون و در نتیجه ناپایداری ضرایب Beta شده است اگر محقق محترم اصراری بر این کار داشت می بایست ابتدا میان متغیر وابسته و متغیر وجود یا عدم وجود نیاز در روستا رگرسیون می گرفت (رگرسیون یک متغیری) و باقیمانده این رگرسیون را با متغیرهای دیگر در ارتباط قرار می داد. گرچه این کار هم ضروری نبود و می توان مستقیماً متغیر مربوط را در کنار متغیرهای دیگر وارد کرد و تأثیر آن را بر میزان نیاز نشان داد.

یکی از مسائلی مهم در این بخش آن است که علی رغم وجود جداول رگرسیون محقق محترم صرفاً به تحلیل همبستگیهای جدول ۸۷ یعنی همبستگیهای ظاهری پرداخته است. در حالی که رگرسیون برای آن است که از این جدول به طور مستقیم استنباطی صورت نگیرد. به عنوان مثال جدول ۲۶۹ را با شرح آن در ذیل ارائه می کنیم.

در توضیح این جدول آمده است: «در روستاهایی که دارای ژنراتور بودند نیاز به برق با فاصله تا مرکز شهرستان، کیفیت جاده روستا، میزان تسهیلات عمرانی و همچنین با میزان سفر و درآمد کل پاسخگویان همبستگی نشان می دهد. این مبین آن است که در روستاهای دور از مرکز شهرستان خصوصاً از سوی افراد بیشتر سفر کرده و متمکنتر- فعال- داشتن یک ژنراتور مورد نیاز است. (ص ۲۶۸)».

این توضیحات از جداول همبستگی ارائه شده در حالی که در جدول رگرسیون مشاهده می شود که فقط یک متغیر شاخص تسهیلات دارای حضور معنی دار در معادله است و لذا با افزایش این متغیر در روستا، نیاز به برق نیز افزایش پیدا می کند و بقیه متغیرها از نظر آماری دارای حضور معنی داری نیستند.

(جدول ۱۰۴)

بد در روستاهائیکه ژنراتور وجود داشت

متغیرهای ناوابسته	Multiple Korrelation	Einfache Korrelation	Beta	F		
شاخص تسهیلات عمرانی	0.2847	0.2847	0.2669	4.186+++		
شاخص دستیابی	0.3235	-0.2359	-0.1507	2.096		
میران مسافرت	0.3482	0.1495	0.1502	1.204		
سن پاسخگویان	0.3650	-0.0952	-0.0968	0.880		
تعداد گوسفندان	0.3763	-0.1352	-0.1090	1.187		
جمعیت	0.3851	0.1024	-0.0839	0.417		
مقدار آب	0.3897	-0.0243	-0.0757	0.404		
تحصیلات فرزندان	0.3927	-0.0109	-0.0562	0.296		
مقدار فروش	0.3940	0.0254	0.0362	0.098		
تحصیلات پاسخگویان	0.3947	0.0241	-0.0312	0.098		
درآمد جانبی	0.3953	0.1263	0.0343	0.062		
Multiples R	0.3953	Varianzanalyse	DF	SAQ	MAQ	F
R Quadrat	0.1563	Regression	11.	221.6541	20.1504	1.8354
Standardfehler	3.3134	Residual	109.	1196.6995	10.9789	

یکی از مشکلات اصلی این تحقیق حجم نمونه است که به علت شکستن تعداد نمونه در جداول مختلف، واریانس تفسیر شده اصلاحی به شدت تنزل پیدا می کند. زیرا واریانس تفسیر شده از طرف رگرسیون دارای قدری خطاست که از طریق فرمول زیر محاسبه می شود:

$$R^2 = 1 - (1 - R^2) \left(\frac{N-1}{N-K-1} \right)$$

و اگر این مقدار را برای جدول فوق حساب کنیم داریم $\hat{R}^2 = 0.7$ که این مقدار تقریباً برابر ۰.۴ واریانس تفسیر شده در جدول است. نسبت واریانس اصلاح شده به واریانس تفسیر شده در جدول ۰.۹/۱ الف به ۰.۱۲ می رسد. که این مسأله ناشی از وارد کردن متغیرهای اضافی

در معادله و حجم کم نمونه در جداول تجزیه شده است، به طوری که جدول ۹۳ فقط $n = ۲۲$ است.

در صورتی که محقق محترم نتایج خود را از جداول رگرسیون استنباطی کردند و نه از جداول همبستگی متوجه می‌شدند که اکثر فرضیات تئوریک ایشان از طریق این تحقیق به اثبات نمی‌رسد. جداول دو بعدی این قسمت که رابطه میان نیاز با فقدان نیاز را نشان می‌دهد از نظر آزمون آماری اشکال دارد که به علت پیچیده‌تر بودن موضوع و محدودیت این مقاله از ذکر آن صرف نظر می‌شود و خوانندگان علاقه‌مند را به کتاب آزمون فرضیه نوشته اینجانب احاله می‌دهم تا در موارد استفاده غیر صحیح از آزمون χ^2 به غلط بودن این شیوه استدلال پی ببرند. از آنجا که تحلیل‌های این بخش کلام مخدوش است، برای جلوگیری از اطاله کلام موارد دیگر را توضیح نمی‌دهیم مگر یک مورد جالب آن که جدول ۹۹ (ص ۲۸۲) است.

ب: در روستای باحمام

	Multiple Korrelation	Einfache Korrelation	Beta	F		
جمعیت	0.2963	-0.2963	-0.3851	11.250+++		
سن پاسخگویان	0.3292	-0.1281	-0.0934	0.684		
درآمد جانبی	0.3460	-0.0910	-0.1166	1.553		
شاخص تسهیلات	0.3652	-0.0946	0.1531	1.702		
شاخص دستیابی	0.3840	0.1430	0.0897	0.874		
تحصیلات پاسخگویان	0.3965	0.0951	0.1322	2.078		
مقدار فروش	0.4033	-0.1357	-0.1367	1.413		
تعداد گوسفند	0.4098	0.1539	0.0923	0.883		
تحصیلات فرزندان	0.4173	-0.0575	-0.1292	1.100		
تعداد فرزندان	0.4215	-0.0096	0.0794	0.503		
مقدار آب	0.4229	-0.0692	0.0980	0.543		
مقدار زمین	0.4274	-0.0438	-0.0843	0.513		
Multiples R	0.4274	Varianzanalyse	DF	SAQ	MAQ	
R Quadrat	0.1827	Regression	12.	155.6487	12.9707	2.067
Standardfehler	2.5050	Residual	111.	696.5059	6.2748	

در تحلیل جدول فوق نوشته شده است که: «در روستاهای با حمام، نیاز به حمام دیگر (یا بزرگتر) در روستاهای کم جمعیت دورافتاده (دور از یزد و شهرستانها) که دارای حمام کوچک (۱ تا ۲ دوش) و تنها در بعضی از اوقات قابل استفاده بودند خصوصاً از سوی افراد جوانتر و فقیرتر ابراز شده است که شاید به علت تشکیل خانواده این نیاز را بیشتر احساس نموده اما به علت دوری از شهرستانها نمی‌توانند آن را در محل دیگری ارضاء نمایند (ص ۲۸۱)

اولا جدول فوق نشان می‌دهد که تنها عامل مؤثر، جمعیت است، یعنی روستاهایی که دارای حمام بوده‌اند هرچه جمعیت کمتری داشته‌اند، نیاز بیشتری به حمام دیگر ابراز داشته‌اند.» ثانیاً بقیه متغیرها فاقد حضور معنی‌دار هستند. اکنون این سوال پیش می‌آید که یک محقق چگونه می‌تواند به این اعداد بی‌روح اعتماد کند و چنین نتیجه‌ای را از آن بگیرد و البته بنده مطمئن هستم اگر اشکالات فنی تحقیق رفع می‌شد، چنین نتایج عجیب و غریبی به دست نمی‌آمد.

در تحلیل قسمت الف این جدول که مربوط به روستاهای بدون حمام می‌شود آمده است: «در روستاهای بدون حمام به علت کم بودن تعداد اینگونه روستاها و بالطبع کم بودن تعداد پاسخگویان همبستگی زیادی بدست نمی‌آید و تنها همبستگی‌ها بین نیاز به حمام و مقدار زمین و آب وجود دارد، آنهم بصورت منفی. این بدان معنی است که این نیاز بیشتر از سوی کشاورزان فقیر ابراز شده است که برعکس کشاورزان متمکن تر نمی‌توانند در منزل خود و یا در شهر حمام کنند» (ص ۲۸۱)

بگذریم از این که از کی تا حالا روستاییان متمکن برای حمام به شهر می‌آیند؟ ولی جدول ۹۹/الف نتایجی غیر از مطالب فوق نشان می‌دهد.

اولاً: نه تنها این جدول همبستگی کمی نشان نمی‌دهد، بلکه بیشترین همبستگی در میان کلیه جداول کتاب مربوط به این جدول است ($R = .043$) که خود فوق‌العاده تعجب انگیز است.

ثانیاً: نتایج نشان می‌دهد که نیاز به حمام در روستاهای بدون حمام به ترتیب از طرف افراد کم زمین، روستاهای نزدیکتر به شهر، تحصیلات پایینتر فرزندان و افراد دارای آب کمتر ابراز شده است، که هیچ کدام از این موارد با عقل طبیعی جور در نمی‌آید.

یکی از نکات مهم تئوری تبیین تعداد نیازهاست، که در دو جدول ۱۰۴/۱ و ۱۰۴/۲ نتایج آن قید شده است. به علت اهمیت موضوع هر دو جدول را به همراه بخشی از توضیحات محقق ذکر می‌کنیم.

جدول ۱.۴/۱ رگرسیون چند متغیری (Multiple Regression) برای تبیین تعداد نیازها یا میزان نیازمندی پاسخگویان

متغیرهای ناوابسته	Multiple	Einfache	Beta	F		
	Korrelation	Vorrelation				
تحصیلات پاسخگویان	0.2603	0.2603	0.1825	7.104+++		
سن پاسخگویان	0.3021	-0.2032	-0.2450	10.711+++		
تحصیلات فرزندان	0.3342	0.0725	0.1055	1.602		
جمعیت	0.3493	0.1194	-0.0195	0.028		
تعداد فرزندان	0.3594	0.0419	0.0729	0.788		
فاصله تامرکز شهرستان	0.3660	-0.0499	-0.1263	2.220+		
فاصله تاجاده اصلی	0.3775	0.0516	0.2751	4.309++		
فاصله تایزد	0.3868	-0.0108	-0.2048	2.434+		
مقدار آب	0.3952	0.0959	0.0521	0.362		
شاخص تسهیلات	0.3978	0.1214	0.1651	1.573		
کیفیت جاده روستا	0.4044	0.0431	0.1032	1.139		
میزان مسافرت	0.4065	0.0314	-0.0858	0.758		
درآمد جانبی	0.4100	0.1194	0.0768	0.699		
مقدار زمین	0.4108	0.0867	0.0308	0.153		
مقدار فروش	0.4111	0.0751	0.0181	0.049		
تعداد دام	0.4112	0.0013	-0.0123	0.025		
موقعیت جغرافیایی	0.4113	-0.0138	0.0127	0.024		
Multiples R	0.4113	Varianzanalyse	DF	SAQ	MAQ	F
R. Quadrat	0.1692	Regressium	17.	273.1950	16.0703	2.5754

گرچه جدول ۱.۴ که همبستگی متغیر تعداد نیاز را با متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بیشترین همبستگی را با سن و سواد معرفی می‌کند، ولی تأکید نویسنده تنها بر همان همبستگی ضعیف میان شاخص تسهیلات و تعداد نیازهاست که ظاهراً بسیار مورد علاقه محقق بوده است.

جدول ۱.۴ همبستگی میان تعداد نیازها با متغیرها مستقل

متغیرهای ناوابسته	نیازها r	تعداد p
جمعیت	.1194	.032 +
شاخص دستیابی	.1277	.024 +
سن	- 0.2006	.001 +++
سواد	.2593	.000 +++
مقدار زمین	.0899	.083 (+)
مقدار آب	.0959	0.069
هزینه	.0649	.005 ++
درآمد جانبی	.1194	.032 +
درآمد کل	.1285	.023 +

«این بدان معنی است که در روستاهای عقب افتاده تر و (به طور عینی) محتاجتر سطح توقعات پایینتر و تعداد نیازهای (به طور ذهنی) کمتر است. اما در روستاهایی که اهالی (به طور عینی) اسکانات بیشتری برای ارضاء نیازهای خود دارند، باز هم اسکانات بیشتری می خواهند و شدت نیازمندی (به طور ذهنی) بیشتر است.» (ص ۲۸۹) محقق محترم نتایج فوق را باحروف پررنگ تری نوشته اند تا بیشتر جلب توجه کند، غافل از این که در جدول ۱.۴ اصلی ترین ارتباطها به ترتیب مربوط به سواد، سن و جمعیت است. همچنین اظهار نظر قطعی فقط از جدول رگرسیون اسکان پذیر است که طبق جدول ۱.۴/۱ متغیرهای مستقل زیر به ترتیب بیشترین تأثیر را به تعداد نیازها دارا هستند، سن و تحصیلات پاسخگویان، فاصله تا جاده اصلی، نزدیکی به یزد و مرکز شهرستان^۳. و اتفاقاً شاخص تسهیلات تأثیر معنی داری بر تعداد نیازها ندارد! با این توضیحات آنچه پس از این قسمت به عنوان نتیجه گیری آمده است چون مستند به این استنباطهای غلط است فاقد اعتبار است. و هیچ کدام از نتیجه گیریها در جدول ۱.۴/۱ وجود ندارد. این تحقیق ثابت نمی کند که باگسترش و توسعه تسهیلات عمرانی در روستاها، یا افزایش درآمد افراد، تعداد نیازها افزایش پیدا می کند (ص ۲۹۴) گرچه با افزایش سواد تعداد نیازها بیشتر می شود ولی اگر میزان مسافرت را که نویسنده به عنوان شاخصی از آگاهی در نظر گرفته لحاظ کنیم، دارای ضریب Beta منفی است، یعنی با افزایش این متغیر تعداد نیازها کم می شود!!

ذکر این نکته ضروری است که منظور ما از گفتار بالا این نبوده که تئوری این تحقیق در روستاهای مورد مطالعه اثبات نمی‌شود، بلکه تحقیق حاضر به علت نقایص فراوان فنی قادر به اثبات یا رد این تئوری نیست.

ع - پیشنهادها

فصل پایانی کتاب به ارائه پیشنهادها می‌پردازد، گرچه در قسمتهای قبلی ثابت کردیم که یافته‌ها فاقد اعتباراند، و لذا هر پیشنهادی هم که براساس آنها ارائه شده فاقد ارزش است، ولی اکنون با فرض معتبر بودن آن یافته‌ها به تحلیل پیشنهادها می‌پردازیم تا نشان دهیم تا چه حد دارای ارزش عملی هستند.

محقق محترم سه^۳ پیشنهاد دارند، الف: از اقداماتی که خود نیاز آفرینند حذر نمود. ب: با کلیه نیروهای هدایت‌کننده افکار، نیازهای مردم را در جهات صالح و سالم هدایت نمود. ج: کلیه عوامل مؤثر بر روی پیدایش نیازها را شناخت و آنها را کنترل کرد. (ص ۳۰۷) هنگامی که تا این حد کلی حرف بزنیم، می‌توان آنها را قبل از تحقیق هم بیان کرد. لذا باید وارد مصادیق شویم، در این خصوص محقق محترم معتقد است که: «احداث درمانگاه در روستاها جز آنکه نیاز به پزشک را تشدید کند و احساسی بیمار شدن را در مردم بوجود آورد (گسترش ارزش) نتیجه خیلی مفید دیگری در پی نخواهد داشت.» (ص ۳۰۸)

واقعاً چگونه انسان به خودش حق می‌دهد که در خصوص طبیعی‌ترین نیازهای بشر این چنین اظهار عقیده کند؟ در حالی که از میان ۳۲ روستای مورد تحقیق تنها دو روستا دارای درمانگاه بوده‌اند و آنهم طبق نوشته کتاب در روستاهای پرجمعیت و عموماً در فاصله‌ای نسبتاً دور از مرکز شهرستان یا استان و فقط با یک پزشک ایجاد شده است (ص ۱۴۹) آیا طبق این شرایط درمانگاه احساس بیمار شدن را به وجود می‌آورد؟! و نتیجه مفید دیگری در پی نخواهد داشت؟! آیا این اظهار نظر که: «مردم روستایی را در شرایطی قرار داد که مانند بچه‌ای بیمار «سربار» دولت نباشند بلکه آنها خود مسایل و نیازهای خود را برطرف نمایند.» (ص ۳۰۸) صحیح طرح شده است؟ عجیب است که در شهرها دفاع از آموزش و بهداشت رایگان می‌شود ولی در روستاها می‌خواهیم راساً کلیه نیازهای خودشان را ارضاء کنند. این مسایل ضمن این که مربوط به توسعه روستایی و ضرورت توسعه است، دارای ابعاد انسانی هم هست که نمی‌توان از تحقیق محدود و بخصوص ناقصی چون تحقیق حاضر در مورد آنها نتیجه‌گیری کرد. گرچه در خصوص سیاستهای دولت در روستاها بحث فراوان است، ولی تحقیق باید در چهارچوب یافته‌ای خود اظهار نظر کند. مثلاً به این اظهار نظر توجه کنید: «تا آنجا که اسکان دارد از خروج پول از روستا به شهرها جلوگیری بعمل آورد» (ص ۳۰۸) معلوم نیست

محقق محترم می‌خواهند پول را توی روستا تل انبار کنند که چه شود؟ به چه دردی می‌خورد؟ اصلاً این پول از کجا می‌آید؟ پول از شهر می‌آید و باید به شهر بازگردد و باید دارای گردش باشد، این یک اصل اقتصادی است و در روستا نمی‌توان پول را به اندازه کافی به گردش در آورد، باید روستاها با شهرها مبادله بیشتری داشته باشند. البته نباید نسبت مبادله به مرور زمان به نفع شهر تغییر کند، حداقل باید ثابت بماند.


بعضی پیشنهادهاى ارائه شده مطلقاً از چهارچوب تحقیق و خارج از صلاحیت محقق است. مثلاً این که در مناطق روستایی کارخانجات کوچک تأسیس شده، و این که کارخانجات صنعتی آلمان را در بعد از جنگ دوم بطور پراکنده در نقاط مختلف روستایی احداث کرده‌اند (ص ۳۰۸) اصولاً این تز شکست خورده است که کارخانجات صنعتی را در مناطق روستایی به وجود آوریم (بگذریم که هیچ ربطی با این تحقیق ندارد) آخر روستاهایی که اکثراً بی‌سوادند و طبق نمونه‌گیری این تحقیق، فقط کمتر از یک درصد افراد آن بالاتر از سیکل هستند، چه کارخانه‌ای می‌توان ایجاد کرد؟ به خصوص که محقق محترم توصیه می‌کند که خیلی به مدرسه و درمانگاه سازی روستاییان کاری نداشته باشیم!

در قسمت دیگری از تحقیق به ضرورت مشارکت مردم در جهت حل مسائل خودشان اشاره شده که تذکر بجایی است ولی بی‌ربط به نتایج تحقیق. البته لازم بود در تحقیق حاضر میزان مشارکت در ارضای نیازها اندازه‌گیری می‌شد (که امکان پذیر و ضروری هم بود). در پایان ذکر این نکته ضروری است که نقد جزئیات این کتاب چند برابر متن حاضر را طلب می‌کند، که بعلت محدودیت از توضیح بیشتر اجتناب می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

- ۱- مراجعه شود به رفیع پور، کندوکاوها و پنداشته‌ها، ص ۳۸۳.
- ۲- مراجعه شود به فصل ۱۱ رگسیون چند متغیری نوشته کرلینجر و پدهازور، ترجمه: حسن سرایی همچنین، بخش رگسیون «آزمون فرضیه در علوم رفتاری» نوشته عباس عبدی
- ۳- محقق محترم توضیح نداده‌اند که چرا این بار متغیرهای فاصله را جداگانه وارد معادله کرده‌اند و بجای آنها شاخص دستیابی کسه قبلا توضیح داده‌اند حضور ندارد. و اتفاقاً همین جدول نشان می‌دهد که آن تلفیق اشتباه بوده است زیرا متغیرهای مذکور دارای اثراتی با علامتهای متفاوت هستند که در صورت تلفیق یکدیگر را خنثی می‌کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ژبې او ادب د مطالعاتو مرکز
پښتانه علومو د مطالعاتو مرکز

عشایر مرکزی ایران

نوشته: جواد صفی نژاد - ناشر، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸-۱۳۶۹ ص. ۰

بیژن افسر کشمیری

تحقیق و بررسی جامعه عشایری ایران همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان ایرانی و خارجی بوده و کتب و مقالات بسیاری در مورد ابعاد مختلف زندگی آنها فراهم آمده است.

کتاب «عشایر ایران» از این جمله است. نویسنده کتاب آقای جواد صفی نژاد استاد جغرافیای انسانی دانشکده علوم اجتماعی است و به همین لحاظ سایه علم جغرافیای انسانی بر اطلاعات بسیاری که ایشان درباره ایلات به طور کلی و عشایر مرکزی ایران به طور خاص گردآوری کرده‌اند - افتاده است. کتاب حاوی اسناد، جداول و نمودارها و نقشه‌های بسیاری است که خواننده را در درک مطالب کمک و یاری می‌کند مردم‌شناسان را اساساً بدو گروه تقسیم می‌کنند آنها که اهل صندلی هستند و آنها که اهل میدان‌اند. آقای صفی نژاد به گروه دوم تعلق دارد. کتاب اساساً ولی نه کاملاً نتیجه مشاهدات شخصی و مصاحبه‌های وی با عشایر نواحی مرکزی ایران از سال‌های ۱۳۴۵ به این طرف است ایشان در مقدمه می‌گویند: «بارها به منطقه کهگیلویه و بویراحمد سفر نموده و یادداشتهای فراوانی جمع‌آوری کرده‌ام.

هدف این بود که ضمن رسم دورنمایی از شناخت منطقه و آشنایی با فرهنگ سنتی پربار آن، مسایل و موضوعاتی که در معرض نابودی قرار داشته جمع آوری گردد و تا شیوه زندگی دسته‌ای از هموطنان که دارای فرهنگ خاص برای خود می‌باشند در جایی به ثبت رسیده باشد.

کتاب در ۱۶ فصل نگاشته شده است. اما منظور از عشایر مرکزی ایران که عنوان کتاب را تشکیل داده است چیست؟ نویسنده اشاره می‌کند که: «... اگر اماکن مسکونی ایلات بزرگ و مشهور ایران را در روی نقشه پراکندگی ایلات، مورد بررسی قرار دهیم معروفترین آنها که شکل ایل و عشایری خود را از دست نداده‌اند در مرکز ایران سکونت دارند، ایل قشقایی و الوار بختیاری و ایلات کهگیلویه از آن جمله‌اند» در واقع جایگاه عشایر مرکزی ایران بخشی از ایران است که سراسر عشایرنشین است و سه ایل بزرگ و با اهمیت در آن ساکن هستند که در پست و بلند تاریخ و حوادث روزگار تا به امروز باقی مانده‌اند. همانطوریکه مؤلف خاطرنشان کرده است محور اصلی و اساسی کتاب حاضر به ایلات لرزان و به طور اخص کهگیلویه و بویراحمد اختصاص دارد ولی دو فصل کتاب نیز به ایل‌های قشقایی و بختیاری تخصیص داده شد و برای هر یک از ایلات قشقایی، بختیاری و بویراحمدیکه شناسنامه تحت عنوان «شناسایی» تدوین شده است که بستر جغرافیایی تاریخ عشایر در آن منعکس است.

در فصل نخست که به بررسی کلی جامعه عشایری ایران اختصاص دارد مؤلف سعی کرده است جمعیت عشایر کشور در زمان صفویه را تعیین کند و پراکندگی عشایر از نظر سیاستهای حکومت مرکزی و جایجایی تاریخی آنها بنا بر مقتضیات سیاسی را مطرح نماید. فصل دوم و سوم به عشایر فارس و بختیاری اختصاص داده شده است. نکته جالب در این دو بخش تعداد جمعیت قشقایی و بختیاریهاست که محققان خارجی و ایرانی و منابع رسمی در سالهای مختلف آن را تعیین کرده‌اند. بحث آخر که فقط به ایلات کهگیلویه و بویر احمد می‌پردازد حدود ۵۹۷ صفحه کتاب را در بردارد و مهمترین قسمت کتاب است در این قسمت به تغییرات محلی کهگیلویه در فرایند تاریخ اشاره شده و تقسیمات جغرافیایی براساس طایفه‌های مختلف و یا بقول نویسنده تقسیمات تاریخی ایلی کهگیلویه یا خرد شدن جغرافیایی منطقه در طول تاریخ با ارائه نقشه‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است و نشان می‌دهد که طوایف مختلف در یکحوزه جغرافیایی چگونه از هم فاصله گرفته‌اند و یا چگونه در هم ادغام شده‌اند و چگونه با هم زیسته‌اند و یا از یکدیگر حمایت کرده‌اند و چگونه ایل حمایت‌کننده و یا قویتر به موقع از ایل ضعیف‌تر مالیات وصول می‌کرده است. نویسنده از ایلهایی منجمله ایل نوبی صحبت می‌کند که از نقشه جغرافیایی محو شده‌اند ولی در اذهان مردم خاطراتی از آنها وجود دارد.

مؤلف در بحث اقتصادی، درآمد عشایر کهگیلویه را به سه بخش تقسیم کرده است:

درآمد خانوار عشایری، درآمدگروه حاکم از توده عشایری و درآمدگروه حاکم به صورت درآمد مستمر و غیر مستمر مالیات بر زمین و مالیات بر دام یا گله‌بگیری و غیره. در ادامه این بحث به بحث درباره وضع مالیاتی در دوره خان خانی و رسم و رسوم نظام اداری عشایر و سیاست حمایت و نظام ارضی پرداخته و قواعد خرید و فروش و تنظیم سند در جامعه عشایری را روشن ساخته است. برخی از این اسناد در کتاب چاپ شده است. نویسنده مسئله مهم اقتصادی «غارت» را مورد بحث قرار داده و به این نتیجه رسیده است که اتحاد خویشاوندی و کم‌کهای ایلی و طایفه‌ای بیشتر بدان سبب صورت می‌گیرد که ایلی از غارت مصون شود و اشاره می‌کند، هرگاه قدرت حکومت مرکزی و فرمانروای منطقه به ضعف و قوتور بگراید ایلهای ضعیفتر در معرض تهاجم و غارت ایلهای قویتر قرار می‌گیرند و در پایان نتیجه می‌گیرد که علیرغم انتقاداتی که به زندگی کوچ‌نشینی دارد وارد می‌آید این نوع زندگی از نظر اقتصادی هنوز مقرون به صرفه است.

نویسنده بحث قشربندی اجتماعی و سلسله مراتب ایلی و ساخت قدرت را تحت عنوان ساخت اجتماعی، ساخت سیاسی و ساخت جمعیتی مطرح کرده است و معتقد است که هر ایلی دارای یک سلسله تقسیمات و رده‌بندیهای سنتی و درون ایلی است که این تقسیمات در ایلی‌های مختلف متفاوت است و هر فرد وابستگی ایلی و خودآگاهی ایلی دارد. در ساخت سیاسی می‌گوید قدرت در دست سران تیره‌ها و طایفه‌هاست که قدرت مشترک این دو در قدرت خان سبلور می‌شود.

نویسنده ساخت جمعیتی منطقه را براساس سازمان ایلی که عبارت از تیره، طایفه، تش، اولاد و خانوار است. توضیح می‌دهد.

در فصل مربوط به جنبه‌های فرهنگی و خلیات بویراحمیدیها، اشاره‌ای هم به قشقائیهها و بختیاریهها شده است؛ نکته جالب این بحث این است که عشایر به افراد باسواد احترام می‌گذارند و باسوادان نقاط دیگر را به طایفه خود دعوت می‌کنند. کتابخوانی بخصوص شاهنامه خوانی که عشایر آنرا «هفت‌لشکر» می‌نامند. بعد از قرائت قرآن مجید که سرلوحه کتابهاست رواج دارد.

زیر عنوان اوزان و مقادیر صحبت از واحدهای سنجش سنتی رایج در منطقه است که هر یک از ایلات در رابطه دادوستدی با منطقه مشخص با اوزان و مقادیر همان منطقه آشنا شده‌اند. و گاه به سبب کوچ طوایف و تیره‌ها در سردسیر با اوزانی و در گرمسیر با اوزان دیگر آشنا می‌شوند و تقریباً هر واحد جغرافیایی دارای سنجشهای سنتی مخصوص به خود است. نویسنده ضمن برشمردن انواع نظامهای همیاری سنتی متداول در منطقه بویراحمید به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان به این نهادها نام تعاونی اتلاق کرد زیرا تعاونیها

نظامی هستند با تشکیلات اداری و برنامه‌ریزی، که در مورد تولید، توزیع و مصرف تصمیم می‌گیرند، در صورتی که همیارهای عشایری فاقد هرگونه تشکیلات اداری است. کتاب «عشایر مرکزی ایران» بنا به تصویب شورای انتشارات دانشگاه تهران «لوح تقدیر» را نصیب مؤلف کرده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی